

سیمای پیامبر در آینه معراج

محمد کاظم حقانی فضل

مرکز فرهنگ و معارف قرآن

شناخت معراج و آن چه در آن گذشته است می تواند ما را به وسعت وجود رسول خاتم صلی الله علیه و آله رهنمون گردد. ولی پرسش این جاست که چه نکته خاصی در این سفر وجود دارد که آن را از اختصاصات پیامبر ساخته است؟ معراج زوایای مختلفی دارد، در این نوشته تلاش می شود مقام والای پیامبر اسلام از طریق مطالعه اجمالی داستان معراج و کشف ویژگی خاص نبی گرام اسلام، شناخته شود. پیش از ورود به بحث تذکر این نکته لازم است که بحث از معراج زوایای گوناگونی دارد که بسیاری از آن ها ارتباط وثیقی با هدف این سطور ندارد. مثل این که پیامبر چند بار به معراج رفتند؟ معراج از کجا آغاز و به کجا ختم شد؟ روحانی بود یا جسمانی؟ در خواب بود یا بیداری؟ پیامبر صلی الله علیه و آله در مسیر خود چه مشاهداتی داشتند؟ هدف از معراج چه بود؟ معراج جزو معجزات به شمار می رود یا نه؟ سازگاری و ناسازگاری معراج با قوانین طبیعی چگونه تبیین می شود؟ و... که هر یک از این مباحث را می توان در کتب کلامی و نیز کتاب هایی در همین زمینه هم چون معراج شهید دستغیب و رساله معراج مرحوم آیت الله رفیعی قزوینی و نیز تفسیر آیه اول سوره اسرا مطالعه نمود.

بر اساس آیات قرآن معراج از خانه کعبه آغاز می شود و پیامبر اسلام با نیرویی خاص در یک شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصی می روند. نخستین آیه سوره اسرا همین نکته را بیان می کند. نکته مهم در این آیه آن است که پیامبر با نام عبد توصیف می شود و این نکته بیانگر آن است که معراج رانه به خاطر رسالت یا نبوت بلکه به علت عبودیت پیامبر به ایشان عطا کرده اند.^۱

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی ح ۹ (سیره رسول اکرم در قرآن)، نشر اسرا، قم، ۱۳۷۹، ص ۶۷.

این نکته که کسی با نیروی طی الارض از مکانی به مکان دیگر برود هر چند نشان دهنده مقام والای نبی گرامی اسلام است ولی اختصاص به ایشان ندارد. چنان که در زندگی سایر ائمه هدی علیهم السلام و از جمله امام جواد علیه السلام نیز چنین کرامتی نقل شده است و ایشان در یک شب از شام به کوفه و سپس مدینه و بعد مکه رفته اند و مردی از اهل شام را نیز با خود برده اند.^۱ و نیز در هنگام شهادت امام رضا علیه السلام از مدینه به طوس آمده اند.^۲ و یا همین قدرت از یاران حضرت سلیمان نیز بروز و ظهور می یابد.^۳

نکته بعدی سفر به عالمی به جز عالم ظاهر است که در روایات به آسمان های هفت گانه تعبیر شده است. در این سفر جبرئیل امین نیز با ایشان همراه است. به علاوه در داستان عروج حضرت عیسی علیه السلام نیز این خصیصه وجود دارد و بر اساس آیات قرآن این پیامبر الهی نیز عروج کرده است.^۴ هر چند چنان که معروف است ایشان فقط تا آسمان چهارم امکان ورود داشته اند نه آسمان هفتم، چنان که جبرئیل نیز از این پله بالاتر راه نیافت تا شعاع تجلی پرش را نسوزاند و جبرئیل تصریح می کند که هیچ پیامبری تا کنون قدم به این جا ننهاده است.^۵

هدف از معراج مشاهده ملکوت آسمان ها و زمین است که اختصاصی به پیامبر اسلام ندارد، زیرا همان طور که درباره حضرت رسول اکرم آمده است که «لنریه من آیاتنا»^۶ تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم. و «لقد رای من آیات ربه الکبری»^۷ او پاره ای از آیات و نشانه های بزرگ پروردگارش را دید. و در تفسیر، این نشانه ها به ملکوت عالم تعبیر شده اند.^۸ درباره حضرت ابراهیم نیز آمده است «کذلک نری ابراهیم ملکوت السماوات والارض ولیکون من الموقنین»^۹ این چنین ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم (تا به آن استدلال کند) و اهل یقین گردد. هر چند شاید بتوان مدعی شد که آنچه پیامبر اسلام مشاهده کرده اند بیشتر و یا عمیق تر از

۱. محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الارشاد، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۱۶ ق، ج ۲ ص ۲۸۹.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، تحقیق: حسین اعلمی، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۲۷۲.

۳. سوره بمل، ۴۰.

۴. سبحانی، جعفر، مشهور جاوید، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۷۳.

۵. مجلسی، محمد باقر (علامه)، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۸۲. ۶. سنوره اسراء، ۱.

۷. سوره نجم، ۱۸. ۸. جوادی آملی، همان، ص ۷۵.

۹. سوره انعام، ۷۵.

مشهودات ابراهیم علیه السلام بوده است. چراکه پیامبر اسلام به مراتب بالاتری راه یافتند.

از دیگر اختصاصات نبی گرامی اسلام در سفر معراج نماز جماعتی است که انبیای الهی به امامت ایشان اقامه می‌کنند، و نیز نمازی که ملائکه به ایشان اقتدا می‌کنند. به گفته مرحوم رفیعی قزوینی بعد از این نماز پیامبر دچار حالتی شد که تمام عالم امکان از نظر ایشان محو شد و حتی به خود نیز توجه نداشت و تمام توجه‌اش به ذات اقدس الهی بود.^۱

یکی دیگر از عنایات حضرت حق به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این سفر، سخن‌گویی بدون واسطه است. خداوند در مرحله‌ای از این سفر با ایجاد صوتی خاص با پیامبر خویش تکلم نمود. این هم‌سخنی، می‌تواند از دو جهت چهره زیبای رسول خاتم را به ما بنمایاند، یکی از جهت مقام کلیم الهی^۲ او سخن گفتن خداوند با ایشان تا جایی که پیامبر در حدیثی فرمودند در سفر معراج چیزی شیرین‌تر از کلام پروردگارم نشنیدم. البته می‌توان گفت پیامبر در این مقام با حضرت موسی علیه السلام شریک است، که در بخش‌های پایانی کتاب تحف العقول نمونه معارف القا شده به حضرت موسی و نیز حضرت عیسی علیه السلام آمده است. وجه دیگر این گفتگو عمق معارفی است که به پیامبر القا می‌شود. نکات بسیار دقیقی در این حدیث وجود دارد که در واقع زیر بنای مفاهیم عرفان اسلامی را تشکیل می‌دهند. حدیثی که با تکیه بر توکل و رضا آغاز می‌شود و به محبت الهی می‌رسد و فقر و روزه و نماز و تقرب به خدا را معرفی می‌کند و تصویری تام از زاهدان مکتب عرفانی اسلام ترسیم می‌کند و ورع را یگانه وسیله نجات می‌داند، ذکر و غفلت را مورد اشاره قرار می‌دهد و راه رسیدن به حیات ماندگار را به تصویر می‌کشد. این معارف به نام حدیث معراج در کتب حدیثی جمع‌آوری شده‌اند.^۲

نماز ره‌آورد این سفر است. و شاید به همین دلیل باشد که آن را معراج مؤمن خوانده‌اند، چراکه خود از اوج

۱. رفیعی قزوینی، سید ابوالحسن، رجعت و معراج، کتاب فروشی اسلام، تهران، ۱۳۹۷ ق، ص ۹۱-۹۳.
۲. رک: شیخ حر عاملی، محمد حسین، کلیات حدیث قدسی (الجواهر السنیة)، ترجمه: زین العابدین کاظمی حلخالی، نشر دهقان، تهران ۱۳۶۹. ص ۲۳۵-۲۵۲ برخی دیگر از معارف این گفتگو به صورت منترقه در همین کتاب آمده است.

آمده تا بنده را با خود به بلندای معرفت رهنمون شود و بی دلیل نیست که پیامبر نماز را نور چشم خود می دانست^۱ چرا که نماز برای او تکرار قریبی است که در معراج بدان دست یافت.

نقطه اوج آن چه قرآن در داستان معراج درباره پیامبر نقل می کند آیات ابتدایی سوره نجم است. درباره این آیات هر چند اختلافاتی وجود دارد که ناشی از اختلاف در تشخیص مرجع ضمیرهایی است که در آیات وجود دارد.^۲ ولی برخی معتقدند عبارت «ثم دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی»^۳ سپس نزدیک تر و نزدیک تر شد تا آن که فاصله او (با پیامبر) به اندازه دو کمان یا کمتر بود. «مربوط به پیامبر گرامی است نه جبرئیل. کسانی که از ارجاع ضمائر به پیامبر پرهیز می کنند هدفشان دوری از شبهه تجسم برای خداست چرا که قرب به خدا و فاصله داشتن با خدا به صورت مکانی امکان ندارد ولی ظاهر آیات آن است که پیامبر با چیزی فاصله مکانی داشته است. این شبهه در جای خود پاسخ داده شده و مراد از این تقرب، قرب مکانی نیست.^۴ به هر حال بر اساس این آیات پیامبر آن قدر به خداوند نزدیک می شود که به مثل فاصله او بیش از دو قوس کمان یا دو ذراع نیست. و سپس به شهودی زلال و ناب از پروردگار دست می یابد که هیچ خدشه ای در آن نیست و قلب او آن را تأیید می کند. «ما کذب النواد ما رای»^۵. و البته این شهود در حالتی است که پیامبر از همه جا وارسته و فقط به او پیوسته است. این مقام از کلمه «تدلی» به خوبی فهمیده می شود. عالم نازک اندیش مرحوم آیت الله العظمی ملا علی آخوند همدانی فرموده اند تغییر عبارت از «دنی» به «تدلی» بیانگر این نکته است که پیامبر در آن لحظات ربط محض بوده است چنان که دلو آویزان را به خاطر وابستگی به همان یک طناب دلو گفته اند. و یا میوه آویزان از درخت نیز با همین کلمه «تدلی» توصیف می شود. و همان طور که میوه هر چه دارد از درخت دارد پیامبر اکرم نیز از خود هیچ نداشت.^۶ بازگشت ضمیر تدلی به پیامبر و نه جبرئیل با روایاتی چند تأیید می شود.^۷ نویسندگان

۱. مجلسی همان، ج ۷۹، ص ۱۹۳.

۲. رک: مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲۲، ص ۴۸۳-۵۰۳.

۳. رک: تفسیر نمونه، همان.

۴. سوره نجم، آیات ۹-۸.

۵. سوره نجم، آیه ۱۱.

۶. رحمانی همدانی، احمد، صد و بیست حدیث همراه با خاطراتی از آیت الله آخوند همدانی، مکتب الحدیث، بی جا، ۱۳۷۱، ص ۶۰.

تفسیر نمونه^۸، علامه جعفر مرتضی عاملی^۹ نیز همین نظر را پذیرفته‌اند. علامه طباطبایی نیز روایات مورد نظر را نقل کرده‌اند.^{۱۰} و این مقام، موقعیتی است که هیچ کس بدان راه نیافته و هیچ پیامبری با نبی گرامی اسلام در آن برابری نمی‌کند.

۷. رک: العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۱۴۸-۱۵۲.
 ۸. تفسیر نمونه، همان.
 ۹. عاملی، جعفر مرتضی، سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام، ترجمه حسین تاج آبادی، نشر آزاد گرافیک، قم، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۳۳.
 ۱۰. رک: طباطبایی، سید محمد حسین (علامه)، المیزان، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۳۳-۳۴.